



## دولت موحدین شمال آفریقا

«دولت موحدین» ۵۱۵-۶۶۸ ه.ق. از جمله دولت‌های بزرگ اسلامی است که به دست علمای مذهبی «بربر» در غرب جهان اسلام پایه‌گذاری شد. پایه‌گذار این حرکت شخصی به نام «محمد ابن تومرت» بود. وی معتقد به **توحید** و **وحدانیت خداوند** و نیز **امامت** را رکنی از ارکان **دین** می‌شمارد. دولت موحدین پس از یک قرن و نیم **حکومت**، به دست افرادی از قبیله‌ی «بنی‌مرین» که از سال‌ها پیش در عرصه **سیاست** مغرب ظاهر شده بودند، از بین رفت.

### فهرست مندرجات

- ۱ - توصیف اجمالی از ابن تومرت
- ۲ - مخالفت ابن تومرت با مالکی‌ها
- ۳ - دیدگاه ابن‌خلدون
- ۴ - آغاز مبارزه سیاسی ابن تومرت
- ۵ - دیدگاه او در خصوص امامت
- ۶ - دولت مرابطین
- ۷ - شکل‌گیری حکومت موحدین
- ۸ - نقش بربرها در نهضت موحدین
- ۹ - سقوط دولت موحدین
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منبع

### توصیف اجمالی از ابن تومرت

«دولت موحدین» ۵۱۵-۶۶۸ ه.ق. از جمله دولت‌های بزرگ اسلامی است که به دست علمای مذهبی «بربر» در غرب جهان اسلام پایه‌گذاری شد. پایه‌گذار این حرکت شخصی به نام «محمد ابن تومرت» بود. وی از علمای مشهور از قبیله‌ی «**مصامده**» در «مغرب الاقصی آفریقای شمالی» بود.

[۱] ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر و دیوان المبتدا و الخبر، قاهره، ۱۹۷۵، ج ۵، ص ۲۳۶.  
نام پدرش «عبدالله» بود. در مورد اصل و **نسب** او اختلاف وجود دارد؛ بسیاری از مورخین مشهور چون «ابن‌اثیر»، «ابن‌خلدون» و «عبدالوحد مر اکشی» نسب او را به «علویان» می‌رسانند.

[۲] ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۳.

ابن تومرت در آغاز **قرن پنجم** برای کسب **علم** به مشرق رفت. وی ابتدا رهسپار «اندلس» شد و به «قرطبه» رفت که در آن زمان **دارالعلم** بود. از آنجا به «اسکندریه»، «مصر» و «بغداد» رفت و نزد عالمان بزرگی به کسب علم پرداخت و با آثار و اندیشه «غزالی» آشنا شد. وی در مشرق با مفتی «اشعریان» از **اهل سنت** آشنا و مسلک اشعریان را اختیار کرد.

[۳] ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر و دیوان المبتدا و الخبر، قاهره، ۱۹۷۵، ج ۵، ص ۲۳۷.

در آن دوران در شهرهای سلجوقی (در شرق خلافت اسلامی)، مدارس و مکتب‌های مذاهب مختلف، فعال بودند و از «**معتزله**» گرفته تا «**اسماعیلیان**» مشغول تدریس و تحصیل بودند. ابن‌تومرت در برابر فضای موجود بین **شلم** و بغداد با اندلس و فقه‌های مالکی به این نتیجه رسید که تعبیر و تفسیرهای مالکیان از **قرآن** و **سنت** بدور از واقع می‌باشد.

### مخالفت ابن‌تومرت با مالکی‌ها

از زمینه‌های اصلی مخالفت ابن‌تومرت با مالکی‌ها که بعدها موجب طرد او توسط فقه‌های مالکی شد، مخالفت او با انسان‌انگاری **خداوند** و **تجسیم** است. وی در دفاع از رای علمای اشعری اعلام کرد که انسان انگاری خداوند (تجسیم) مردود است و دادن ویژگی‌های انسان به خداوند مخالف یکتاگرایی و معنویت **ادین** است.

[۴] پلدرم، اونور، ابن تومرت و موحدون، ترجمه نکتز وهلب ولی، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ص ۱۷۱.

مخالفت ابن‌تومرت با فقه‌های مالکی از اختلاف در خصوص مسأله **توحید** و تجسیم شروع شد؛ ولی به آن مسأله ختم نشد. ابن‌تومرت معتقد بود که اصل و جوهره توحید یعنی یگانگی و **وحدانیت** خداوند که استخوان‌بندی اعتقادات افراد را تشکیل می‌دهد، باید بازسازی شود و از آنجایی که تعریف او در خصوص توحید با تعریف فقه‌های «مراپطین» متفاوت بود، آنان را قاعد مشروعیت مذهبی دانست. او مراپطین را مسوول نشر و ترویج **عقیده** تجسیم قلمداد می‌کرد و حرکت مخالفت‌آمیز خود را بر علیه مراپطین با اتکا به عدم مشروعیت مذهبی آنان شروع کرد.

اعلام عدم مشروعیت مذهبی در خصوص مراپطین که خود از مدعیان حمایت از **مذهب** و **آیین** بودند، بر آنان بسیار گران آمد. مراپطین با اتصال خود به **خلفای بغداد** و صدور **حکم**

**شرعی** از سوی امام محمد غزالی، قطب فقه‌های بغداد در آن روزگار وجهی شرعی و مذهبی علمی برای خود ایجاد کرده بودند. به علاوه مرابطین در دفاع از سرزمین‌های اسلامی در مقابل **مسیحیان** و در نبرد معروف «**ز لاقه**» بر علیه مسیحیان با مجاهدت و مقاومت پی‌گیر، بر وجه شرعی و مذهبی خود پافشاری کرده بودند. [۱۵] ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۶.

در خصوص انگیزه اصلی این‌تومرت مغربی که در اصل یک **فقیه** بود، نه جنگاور یا سیاستمدار نظریات مختلفی وجود دارد. تاریخ‌نگار مشهور مغرب این‌خلدون مقام او را بسیار می‌ستاید و معتقد است، انگیزه نسبت‌های ناروایی که به این‌تومرت داده می‌شود، **حسد** به پایگاه بلند فقهی و محبوبیت این‌تومرت است.

## دیدگاه ابن‌خلدون

ابن‌خلدون معتقد است، این‌تومرت کسی بود که با انکار و انتقاد شدید بدرفتاری بزرگان و سران دولت را مورد بازخواست قرار داد و با **اجتهاد** و تبحر خویش با فقیهان آنان به مخالفت برخاست و در نتیجه دولت را ریشه کن کرد و به کلی واژگون ساخت.

ابن‌خلدون با قائل شدن جایگاه مقدس برای وی او را از **همی** مطلع دنیوی و خواسته‌های نفسانی پیراسته می‌داند و از پلکی نیت و انگیزه‌ی وی به شدت دفاع می‌کند.

[۱۶] ابن‌خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، اساطیر، ج ۱، ص ۴۹-۴۷.

## آغاز مبارزه سیاسی ابن‌تومرت

به هر حال انتقاد ابن‌تومرت بر مرابطین با توحید شروع شد؛ ولی به آن پایان نیافت. ابن‌تومرت با پی‌گیری قاطع به **امر به معروف و نهی از منکر** پرداخت. با مظاهر **فساد** درگیر شد و از آنجا که مرابطین را رواج دهندگان منکر می‌دانست، بر علیه آنان اعلام مبارزه کرد. این مرحله آغاز مبارزه سیاسی او و تبدیل حرکت مذهبی او به حرکتی سیاسی قلمداد می‌شود. ابن‌تومرت پس از مناظره با فقه‌های مرابطین مجبور به ترک «**مرکنش**»، پایتخت دولت مرابطین شد. در اندیشه‌های ابن‌تومرت قرابت‌هایی با برخی از اندیشه‌های شیعی به چشم می‌خورد.

## دیدگاه او در خصوص امامت

در خصوص **امامت** وی معتقد است که امامت رکنی از ارکان **دین** است و هیچ زمانی نیست که در روی زمین **امام** حضور نداشته باشد.

[۱۷] ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۴.

نکته برجسته دیدگاه او در خصوص امامت، قائل بودن او به **عصمت** امام است که در نهایت قرابت به اندیشه‌های شیعی است. این قرابت ممکن است با تأثیرپذیری او از اندیشه‌های شیعی «**فطلمین**» بوده باشد. نمونه دیگری از این تأثیرپذیری در خصوص اطلاق نام «**مهدی**» به عنوان لقب وی مشاهده می‌شود. وی خود را امام و مهدی معرفی کرد

[۱۸] پلدم، اونور، ابن‌تومرت و موحدون، ترجمه دکتر هلب ولی، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ص ۱۷۳.

و پس از ذکر خصائص و ویژگی‌های آخر الزمان عصر مرابطین را مصداق آخر الزمان قلمداد کرد و به این ترتیب به قیام خود مشروعیت بخشید.

## دولت مرابطین

در شرایطی که حرکت ابن‌تومرت از انتقاد یک فقیه عادی به شورش یک **رجل سیاسی** تغییر شکل و ماهیت داده بود، دولت مرابطین با چالش‌های جدی روبرو بود. واقع شدن مراکش، پایتخت مرابطین در غرب «فلس» و در وسط صحرای **آفریقا**، مکانی که راه مهم تجاری شمال و جنوب محسوب می‌شد و مبادله گسترده کالا بین شمال آفریقا و اندلس از آن می‌گذشت و این مساله موجب رونق اقتصادی را فراهم آورده بود. توجه و اهتمام مرابطین به حفر **چاه** و بهر برداری از **قنات** موجب رونق کشاورزی را نیز فراهم کرد. انواع **خرما**، میوه، **بنبیه**، **جو** در «سجلماسه» و مراکش کشت می‌شد.

مجموع شرایط مساعد اقتصادی برای **تجارت** و کشاورزی باعث رونق و رشد سطح رفاهی **حکومت** و دولت مرابطین را فراهم آورد. به طبع با توسعه اقتصادی سطح زندگی مردم ارتقاء پیدا کرد، خرید و فروش کنیزان و بردگان رونق پیدا کرد و ادوات موسیقی و لهر و لعب هم رایج شد.

[۱۹] هرفی، سلامه محمد سلمان، دولت المرابطین فی عهد علی بن یوسف تاسفین، دارالانوده، الجدیده، بیروت، ۱۴۰۵، ص ۲۷۹-۲۸۰.

رفت و آمدهای تجاری از زمینه آشنایی مردم شمال آفریقا را با **فرهنگ** و **ادب** اجتماعی اندلس بیش از پیش فراهم کرد. وجود اقلیت‌های دینی یهودی و مسیحی موجب ایجاد فضای خاصی بود که زمینه‌های فساد و فحشا در آن زیاد بود.

در بررسی علل سقوط حکومت‌ها و دولت‌ها همان‌گونه که **فقر** اقتصادی و نابسامانی مالی موجب نارضایتی و شورش را فراهم می‌آورد، گاه‌ها مشاهده می‌شود که **رفاه** و رونق اقتصادی هم با فراهم آوردن شرایط فساد و بی‌بندوباری و از دست دادن هویت، انسجام درونی جامعه را از هم می‌گسلد و مردم را به نوعی بی‌خبری و بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشتشان سوق می‌دهد، به نحوی که موجب سقوط حکومت‌ها و دولت‌ها را فراهم می‌آورد. در این شرایط اجتماعی درگیری مرابطین و پیروان محمد بن تومرت که به سبب تاکید بر معانی خاصی از توحید، «موحدین» خوانده می‌شوند، صورت گرفت. در این درگیری‌ها موحدین شکست خوردند؛ لذا به «تینمال» که منطقه‌ای کوهستانی بود، رفتند و در آنجا دژی محکم بنا کردند.

در سلسله جنگ‌هایی که پس از آن رخ داد، موحدین پیروز شدند و حتی تا مرزهای شهر مراکش پیش آمدند؛ ولی «**علی بن یوسف تاشفین**» خلیفه مرابطین در آن زمان از سرداران نمونه کمک خواست و موفق به شکست موحدین شد. مقارن این شکست ابن‌تومرت به علت بیماری از **دینیا** رفت.

[۲۰] ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۱.

## شکل‌گیری حکومت موحدین

در سال ۵۲۴ ه.ق. پس از **مرگ** ابن‌تومرت، «**عبدالمؤمن**» از نزدیکان مهدی که نزد او منزلتی والا داشت، به وصیت خود ابن‌تومرت جانشین وی شد. وی پس از سلسله جنگ‌های طولانی در ۵۴۱ ه.ق. بر مراکش پایتخت مرابطین فائق آمد. شکل‌گیری حکومت موحدین به صورت رسمی با تصرف پایتخت در زمان عبدالمؤمن صورت گرفت و وی پس از به دست گرفتن حکومت، منشوری را به نام «**عدالت**» منتشر کرد که اثباتی برای استقرار حکومتی بر اسس مبنای دینی بود.

[۲۱] آیتی، عبدالمحمد، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، تهران، کیهان، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۴۱۲-۴۱۴.

وزارت و دبیری از مشاغل بسیار مهم در دولت موحدين محسوب می‌شود. گروهی از وزراء عهددار سامان‌دهی امور مالی بودند. درآمد دولت موحدين در ابتدا تنها از **وجوه شرعی** بود؛ اما با گسترش قلمرو دولت و هزینه‌های سنگین برای تجهیزات نظامی عبدالمؤمن فرمان داد، از زمین‌های حاصلخیز آفریقه و سایر بلاد مغرب **خراج** بگیرند. از درآمد حاصل از واردات و صادرات هم مالیت گرفته شد و از ساکنان غیر مسلمان سرزمین‌های موحدين هم مالیت گرفته شد.

در زمان عبدالمؤمن دو تن از برادران این‌تومرت به نام «عبدالعزيز» و «عيسى» شورش کردند. شورش آنان در اعتراض به ولیعهدی فرزند عبدالمؤمن بود. آنان انتظار داشتند عبدالمؤمن آنان را به ولیعهدی برگزیند که شورش آنان سرکوب شد و کشته شدند.

پس از عبدالمؤمن فرزندش «یوسف» به مدت ۲۲ سال حکومت کرد. وی به نشر ایندولوژی یک عقاید این‌تومرت پرداخت. پس از او «یعقوب» به خلافت رسید. وی که ملقب به «المنصور» بود، با **مذهب مالکی** به شدت به مخالفت پرداخت و دستور به آتش زدن کتب مشهور مذهب مالکی را داد.

[۱۶] مراکش، عبدالوحد، المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، قاهره، المجلس الاعلی للثؤون الاسلامیه، ص ۳۵۴.

وی به درخواست «صلاح الدین ایوبی» مبنی بر اتحاد بر ضد «صلیبیین» پاسخ داد و با ناوگان دریایی به وی کمک کرد.

دولت موحدين در زمان خلفای مختلف قراردادهای بازرگانی و سیاسی مختلفی با برخی از دولت‌های مسیحی برقرار نمود و با آنان رابطه نسبتاً مسالمت‌آمیزی برقرار کرد. گرایش مسیحی در برخی از امرای موحدين به چشم می‌خورد. «مامون» نهمین امیر موحدی، به مسیحیان اجازه احداث **کلیسا** را داد و آخرین امیر موحدين «**ابو العلاء الوائش**» مسیحی شدن خود را علناً اعلام کرد.

[۱۷] آیتی، عبدالمحمد، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، تهران، کیهان، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۴۱۵.

## نقش بربرها در نهضت موحدين

موحدين به جهت مختلف مقام مهمی در تاریخ دارند. حرکتی که این‌تومرت با بهره‌گیری از برخی عقاید و دیدگاه‌های فقهی‌اش به وجود آورد، در سطح وسیعی مورد استقبال قرار گرفت و به تشکیل حکومتی مقتدر در منطقه‌ای «بربر» نشین انجامید.

صنوبر دستور **اقامه نماز جمعه** و **موعظه** به زبان بربرها از جانب او برخی از مورخان را به چنین تعبیر و برداشتی سوق داد که نهضت موحدين نوعی وحدت ملی مذهبی در این سرزمین ایجاد کرد.

[۱۸] یلدرم، اونور، ابن تومرت و موحدون، ترجمه دکتر وهب ولی، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ص ۱۸۲.

از نظر جغرافیایی بعد از استیلای «رومیان» در سرزمین بربرها، حاکمیت موحدين برای اولین بار موجب ایجاد یک وحدت سیاسی در آن منطقه شد. سرزمین و اراضی بربرها در تاریخ برای اولین و آخرین بار با قدرت و نیروی بربرها ساخته شد و توسط حاکمیت بربرها به شیوه «تمامیت ارضی» سرزمین بربرها اداره گردید. توانایی ایجاد این وحدت سیاسی از آن جهت بود که این‌تومرت نه تنها به عنوان یک رهبر معنوی، بلکه به عنوان شخصیتی که خود از بین بربرها برخاسته بود، از طبیعت و آداب و رسوم اجتماعی آنان اطلاع داشت.

[۱۹] یلدرم، اونور، ابن تومرت و موحدون، ترجمه دکتر وهب ولی، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ص ۱۸۴.

با روی کار آمدن موحدين و جایگزین شدن آنها به جای مراپطین در اندلس، فلسفه **حیات** مجددی را آغاز کرد و **علوم عقلی** درخششی موقت در مغرب و اندلس به دست آورد.

[۲۰] پاک، محمدرضا، تحول اندیشه‌های کلامی و فلسفی در عهد موحدين، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۱۲، ص ۷۴-۴۱.

حضور موحدين موجب رشد فکری مسلمانان به خصوص در ناحیه اسپانیا را فراهم کرد. «**ابن رشد**»، «**ابن عربی**» از متفکران این دوره‌اند.

[۲۱] اشپولر، برتولد، جهان اسلام، تاریخ خلافت ترجمه قمر آرین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴، ص ۱۷۲.

## سقوط دولت موحدين

دولت موحدون پس از یک قرن و نیم حکومت به دست افرادی از قبیلای «بنی‌مرین» که از سال‌ها پیش در عرصه **سیاست** مغرب ظاهر شده بودند، از بین رفت. با **قتل «ابن دیوس»** آخرین امیر موحدی در ۶۶۷ هـ.ق. سقوط کرد. در این مدت ۱۴ تن از امرای موحدی که از نسل عبدالمؤمن بودند به طور موروثی حکومت کردند.

[۲۲] ناشنلس، حلل الموشیه، بی‌تا، ص ۱۸۳

## پانویس

- ↑ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر و دیوان المبتدا و الخبر، قاهره، ۱۹۷۵، ج ۵، ص ۲۳۶.
- ↑ ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۳.
- ↑ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر و دیوان المبتدا و الخبر، قاهره، ۱۹۷۵، ج ۵، ص ۲۳۷.
- ↑ یلدرم، اونور، ابن تومرت و موحدون، ترجمه دکتر وهب ولی، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ص ۱۷۱.
- ↑ ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۶.
- ↑ ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، اساطیر، ج ۱، ص ۴۹-۴۷.
- ↑ ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۴.
- ↑ یلدرم، اونور، ابن تومرت و موحدون، ترجمه دکتر وهب ولی، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ص ۱۷۳.
- ↑ هرفی، سلامه محمد سلمان، دولت المرابطین فی عهد علی بن یوسف تاسفین، دارالندوه، الجدیده، بیروت، ۱۴۰۵، ص ۲۷۹-۲۸۰.
- ↑ ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۱.
- ↑ آیتی، عبدالمحمد، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، تهران، کیهان، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۴۱۲-۴۱۴.
- ↑ مراکش، عبدالوحد، المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، قاهره، المجلس الاعلی للثؤون الاسلامیه، ص ۳۵۴.
- ↑ آیتی، عبدالمحمد، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، تهران، کیهان، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۴۱۵.

۱۴. [یلدرم، اونور، ابن تومرت و موحدون، ترجمه دکتر و هلب ولی، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ص ۱۸۲.](#)
۱۵. [یلدرم، اونور، ابن تومرت و موحدون، ترجمه دکتر و هلب ولی، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹، ص ۱۸۶.](#)
۱۶. [پاک، محمدرضا، تحول اندیشه‌های کلامی و فلسفی در عهد موحدین، قم، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۱۲، ص ۴۱-۷۴.](#)
۱۷. [اشپولر، برتولد، جهان اسلام ۱، تاریخ خلافت ترجمه قمر آرین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴، ص ۱۷۲.](#)
۱۸. [ناشناس، حل الموشیه، بی‌تا، ص ۱۸۳.](#)

#### منبع

[سایت پژوهش، بر گرفته از مقاله «دولت موحدین شمال آفریقا»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۸/۹.](#)

رده‌های این صفحه: [آفریقا](#) | [تاریخ حکومت های اسلامی](#) | [جغرافیای اسلامی](#) | [مقالات پژوهش](#)